

## نقش حج در ایجاد وحدت و هم‌گرایی کشورهای اسلامی<sup>۱</sup> اسدالله زائری<sup>۲</sup>

### چکیده

در نوشتار حاضر تلاش شده است تا پس از اشاره کوتاه به مفهوم حج و هم‌گرایی، نقش حج در ایجاد وحدت و هم‌گرایی بین کشورهای اسلامی تبیین گردد. مجموعه ظرفیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حج در تکوین و شکل‌گیری هم‌گرایی میان کشورهای اسلامی به دو دسته اهمیت حج در اسلام و کارکردهای سیاسی، فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی حج تقسیم گردیده است. اهمیت حج در اسلام نیز خود به اهمیت عبادی و سیاسی دسته‌بندی شده است. در مبحث اهمیت سیاسی حج در اسلام، به بهره‌گیری از ظرفیت سیاسی حج در عصر پیامبر ﷺ و امامان معصوم ﷺ اشاره شده است. در مبحث مؤلفه کارکردی مناسک حج نیز به ابزارهای هم‌گرایی توجه شده است. این مؤلفه‌ها و ابزارها عبارتند از: اسلام، مناسک مشترک، محبت اهل بیت ﷺ، دشمن و عامل خطر مشترک.

**واژگان کلیدی:** حج، فلسفه سیاسی حج، وحدت، هم‌گرایی، هم‌گرایی جهان اسلام و حج ابراهیمی.

### مقدمه

حج از بزرگ‌ترین واجبات الهی است که در کنار جنبه‌های معنوی آن، کارکردهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نمایان دارد که گاه به کارگیری حتی یکی از این کارکردها می‌تواند آینده مطلوبی را برای جهان اسلام به ارمغان آورد.

۱- تاریخ ورود: ۱۳۹۰/۸/۱؛ تاریخ تأیید: ۱۳۹۱/۱۲/۲۷.

۲- کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه مفید.

از جمله این کارکردها و ظرفیت‌های سیاسی و اجتماعی مهم می‌توان به ایجاد جهت‌گیری مشترک سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اشاره کرد؛ کارکرد و ظرفیتی که مورد اهتمام قرآن نیز می‌باشد، آن‌جا که می‌فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ الْكُفَّةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ» (مائده / ۹۷). حکمت و جوب حج، قیام و احساس تکلیف و ایجاد حساسیت در قبال سرنوشت مردم اعلام شده است؛ به بیانی دیگر، حج یک بسیج همگانی برای حل معضلات و تأمین نیازها و رشد و توسعه جامعه بشری است.

بنابراین، حج در بافت درونی خود دارای ظرفیت‌های بزرگی است که الهام از آنها می‌تواند آینده مطلوبی را برای مسلمانان رقم زند. وفاق، هم‌دلی و هم‌گرایی کشورهای اسلامی یکی از آن ظرفیت‌ها است. در قرآن کریم، در تبیین فلسفه حج، عمدتاً بر کارکردهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نتایج عینی و ملموس آن برای همه مردم، تأکید شده است: «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَ يُذَكِّرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ» (حج / ۲۸).

بنابراین اصل توان‌مندی مناسک حج در ایجاد وحدت و هم‌گرایی بین مسلمانان مفروض تلقی شده و سخن در اثبات و یا عدم اثبات کارایی حج در ایجاد هم‌گرایی نیست، بلکه صحبت از شناسایی و کشف ظرفیت و عملیاتی کردن آن به سود هم‌گرایی است.

فریضه حج به تعبیر امام خمینی ره از همان ابتدا با سیاست آمیخته بوده است. برای اثبات این ادعا توجه به رویدادهای عصر پیامبر ص و امامان معصوم ع بسیار راه‌گشا است، که در ادامه مقاله به مواردی از آنها اشاره شده است.

پس سخن در این نوشته آن است که حال اگر حج ظرفیت ایجاد هم‌گرایی را دارد، آیا ما آمادگی شناسایی و به روز کردن این ظرفیت‌ها را داریم یا خیر؛ به عبارت دیگر، با توجه به وضعیت و شرایط حاکم بر گذشته و حال جوامع اسلامی چه ظرفیت‌هایی در متن آموزه‌های حج وجود دارد که با کمک آن بتوان به وضعیت سیاسی جهان اسلام سر و سامان داد.

فرضیه اصلی ما نیز این است که مناسک حج ظرفیت و کارکرد متنوعی جهت ایجاد وحدت و هم‌گرایی میان کشورهای اسلامی دارد.

در این مقاله نقش حج در ایجاد وحدت و هم‌گرایی کشورهای اسلامی با بهره‌گیری از نظریه دو محقق حوزه هم‌گرایی؛ کانتوری (cantori) و اشپیکل (Spiegel) بررسی می‌گردد و در پاسخ به سؤال اصلی و به منظور ارزیابی فرضیه، به بیان: (۱) مفهوم حج، هم‌گرایی و بررسی تئوری کانتوری و اشپیکل؛ (۲) اهمیت عبادی و سیاسی حج؛ (۳) استفاده از ظرفیت سیاسی مناسک حج در عصر معصومین ع؛ (۴) مؤلفه‌های کارکردی حج در جهت تکوین و ایجاد هم‌گرایی پرداخته شده و سپس مباحث جمع‌بندی می‌گردد.

## گفتار اول: مفاهیم و کلیات

### الف) تعریف حج

#### ۱. در لغت

حج در لغت به معنای قصد و آهنگ کردن است. راغب اصفهانی در مفردات می‌گوید: «أصل الحجّ: القصد للزيارة؛ اصل حج عبارت است از قصد و تصمیم برای زیارت کردن» (اصفهانی، ۱۳۶۳، ۱۰۷).

در جایی دیگر حج به قصد و آهنگ نمودن و روی آوردن به سوی امری مهم تفسیر شده است: «رَجُلٌ مَحْجُوجٌ» یعنی مردی که انسان آهنگ او را دارد و مراد و مقصود است، و این که راه را «مَحْجَة» می‌گویند از آن رو است که انسان با گذر از آن، آهنگ مقصود خود دارد، حجت و احتجاج نیز از همین باب است. (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۲۶).

#### ۲. در اصطلاح فقهاء

«الحجّ قصد البیتِ لِلتَّقَرُّبِ الی اللّهِ تعالیٰ بأفعال مخصوصة فی اماکن مخصوصة»؛ حج، زیارت کردن کعبه، با اعمال مخصوص، در مکان‌های مخصوص جهت تقرب به خداوند است. شریف جرجانی می‌گوید: «و فی الشّرع قصد بیت‌الله تعالی بصفة مخصوصة فی وقت مخصوصة بشرائط مخصوصة» (به نقل از لغت‌نامه دهخدا، ص ۷۶۲۷، ذیل کلمه حج).

بنابراین، معنای اصطلاحی و لغوی حج از پیوند معناداری برخوردار است؛ زیرا حج در اصطلاح به معنای قصد و توجه به خانه خدا در مکه - توأم با نیت تقرب به خدا و امتثال امر او - است که نوعی از عبادات در اسلام می‌باشد که با مراسم و مناسک ویژه‌ای انجام می‌گیرد. ابن منظور می‌گوید: «الحجّ: قَصْدُ التَّوَجُّهِ إِلَى الْبَيْتِ بِالْأَعْمَالِ الْمَشْرُوعَةِ فَرَضًا وَ سُنَّةً؛ حج، آهنگ توجه و روی آوردن به خانه خدا توأم با اعمالی است که به عنوان اعمال واجب و مستحب از سوی شارع مقرر شده است» (ابن منظور، همان).

از نظر کسائی میان «حَجّ» (به فتح حا) و «حجّ» (به کسر حا) تفاوتی وجود ندارد؛ اما عده‌ای می‌گویند: «حَجّ» (به فتح حا) آهنگ خانه خدا، و «حجّ» (به کسر حا) عمل سنت است؛ از این رو «حجّه» (به کسر حا) به مفهوم سنت استعمال شده است و «ذوالحجّة» یعنی ماهی که این سنت در آن انجام می‌گیرد» (ابن منظور، همان). سنت نیز به معنای طریق و راه است و چنانچه اشاره شد، راه نیز گذرگاه آهنگ به سوی مقصود می‌باشد، در نتیجه «حجّ» و همه مشتقات آن باید با مفهوم قصد - که معنای لغوی حج را تشکیل می‌دهد - لحاظ شود. نتیجه آن که مفهوم اصطلاحی «حجّ» با معنای لغوی آن دارای قرابت و ارتباط نزدیک می‌باشد.

از منظر فقه اسلامی، حج به مجموعه‌ای از اعمال مسلمان‌ها اطلاق می‌شود که در مکّه و اطراف آن به‌جا می‌آورند و اقدام بدان، در صورت وجود استطاعت مالی و صحّت مزاج و امنیّت، بر هر شخص مسلمان بالغ و عاقل و مکلف، در تمام عمر یک بار واجب است.

### ب) تعریف هم‌گرایی

نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل تاکنون در پاسخ به این سؤال که «منظور از هم‌گرایی چیست؟» تعریف جامعه و مانعی از هم‌گرایی ارائه نکرده‌اند و تعریف‌های موجود هر یک به جوانب آن توجه نموده است و رویکردهای موجود نسبت به هم‌گرایی نیز یا پروژه‌ای، یا پروسه‌ای و یا ترکیبی از آن دو است. در رویکرد پروژه‌ای، هم‌گرایی به عنوان یک وضعیت نهایی بررسی می‌شود و در رویکرد پروسه‌ای یا فرآیندی، سطح تحول هم‌گرایی و زمینه‌های متنوع آن مورد توجه است. برخی از متفکران این حوزه نیز با رویکرد تلفیقی به موضوع می‌نگرند.

هم‌گرایی در میان کشورها نشان‌دهنده فرآیند کنش متقابل مثبت بین واحدهای ملی برای بهره‌مندی جمعی از بهره‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی است. ارنست هاس با این نگرش، هم‌گرایی میان کشورها را فرآیندی می‌داند که به وسیله آن بازیگران سیاسی چند کشور مختلف متقاعد و راغب می‌شوند که تا وفاداری‌ها، انتظارات و فعالیت سیاسی‌شان را به سمت مرکز جدیدی معطوف سازند که نهادهای این مرکز یا از صلاحیتی برخوردارند که دولت‌های ملی موجود را تحت پوشش خود می‌گیرند و یا چنین صلاحیتی را می‌طلبند. (سیف‌زاده، ۱۳۷۶ش، ص ۲۲۹).

نظریه‌پردازان این حوزه در مکاتب مختلف فکری به بیان دیدگاه‌های خود پرداخته و در چند دهه متحول شدند. مکتب کارکردگرایی با تأکید بر سودگرایی و عمل‌گرایی مطمئن‌ترین راه به سوی هم‌گرایی را هم‌کاری در سطح برخی وظایف کارکردی با ماهیت تکنیکی و اقتصادی بیان می‌کند. دیوید میترانی از بنیان مکتب کارکردگرایی اعتقاد داشت همکاری در یک بخش باعث می‌شود ضرورت همکاری کارکردی در بخش دیگر نیز احساس شود و این امر به گونه‌ای خودکار اتفاق می‌افتد. این دیدگاه مورد نقد جدی برخی از محققین قرار گرفت که بعدها زیر چتر نوکارکردگرایی جمع شدند و از جمله آنان ارنست هاس، فیلیپ اشمیتر، لیون لیند برگ، رابرت کیوهن و لارنس شاینمن و جوزف نای بودند.

به این ترتیب، اگر از منظر کارکردگرایی و نوکارکردگرایی به نقش حج نگریسته شود، افزایش هم‌گرایی به تحکیم صلح و امنیّت و همکاری‌های متقابل معطوف بوده و نیازمند افزایش

ظرفیت‌های فنی و تکنیکی کشورهای عضو و تقویت عامل اراده و عزم سیاسی آنها در ایجاد و توسعه هم‌گرایی است.

نوشته پیش رو، درصدد است از نظریه کانتور و اشیپگل کمک بگیرد - که توضیح آن خواهد آمد - چون اعتقاد بر این است که از آن بهتر می‌توان سود جست. نظریه مزبور، هم‌گرایی را به عنوان یک وضعیت می‌پندارد و معتقد است در حقیقت وضعیت و ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی، قومی، نژادی، زبانی، پیوندهای مشترک تاریخی و جغرافیای کشورهای حرف اول را در هم‌گرا شدن آنها می‌زند. طبق این نگرش، کارکرد حج در ایجاد هم‌گرایی بین کشورهای اسلامی را بهتر می‌توان فهم کرد.

### ج) تبیین تئوری کانتوری و اشیپگل

کانتوری و اشیپگل نظام بین‌الملل را از چند نظام تابعه منطقه‌ای متشکل می‌دانند که در این نظام‌ها امکان هم‌گرایی وجود دارد. از نظر آنها، نظام‌های تابعه از یک یا چند کشور هم‌جوار با پیوندهای مشترک زبانی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی با یک‌دیگر تشکیل یافته است و گاه احساس همانندی و هویت آنها با طرز تلقی و نوع کنش کشورهای بیرون از این نظام تابعه تشدید می‌شود.

صاحبان این نظریه معتقدند چهار متغییر الگویی بارز می‌تواند بیان‌کننده جریان‌های مختلف منطقه‌ای، تمایز منطقه‌ای و تفاوت آنها از یک‌دیگر باشد که عبارت است از:

- ۱- ماهیت و میزان هم‌بستگی یا سطح تشابه و یا مکمل بودن ویژگی‌های تمامیت‌های سیاسی که به هم‌گرایی متمایل هستند و میزان مبادلات بین این واحدها؛
  - ۲- ماهیت خصمانه یا دوستانه ارتباط درون منطقه‌ای؛
  - ۳- سطح قدرت در نظام تابعه. قدرت در این قالب به توان بالفعل و بالقوه و نیز اراده یک کشور برای تغییر در فرایند تصمیم‌گیری داخلی سایر کشورها به منظور همسان‌سازی سیاست‌های آن دولت با سیاست خویش، اطلاق می‌شود؛
  - ۴- ساختار - سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - روابط درون منطقه‌ای.
- این تئوری، سطح هم‌گرایی را معلول چهار عامل زیر می‌داند:
- الف) عامل اجتماعی: یعنی تشابه ابعاد اجتماعی واحدها در هم‌بستگی یا عدم هم‌بستگی آنها

نقش دارد؛

ب) عامل سیاسی: یعنی تشابه و تجانس بین نوع نظام و رژیم سیاسی کشورها در نظر این نظریه‌پردازان می‌تواند مشوق تحکیم هم‌گرایی منطقه‌ای باشد؛

ج) عامل اقتصادی: یعنی عامل مکمل بودن اقتصادی و نوع تولید و توزیع منابع و ذخایر کشورها در هم‌گرایی و یا هم‌بستگی آنها مؤثر است؛  
 د) عامل سازمانی: یعنی میزان سازمان‌یافتگی کشورها و نوع مشارکت آنها در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به هم‌گرایی آنها یا به عکس، واگرایی بازیگران منطقه‌ای، یاری خواهد داد.

اگر قصد این باشد که با الهام از این نظریه برای کشورهای اسلامی در جهت دستیابی به وحدت و هم‌گرایی نسخه‌ای تجویز شود باید اذعان نمود که کشورهای اسلامی به واسطه پیوند-های دینی، مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی از وضعیت مناسبی سود می‌برند، اما مشروط به این‌که این فرصت همانندی و هویت مشترک دینی از دخالت‌های عوامل بیرونی حفظ شده و سعی شود سطح انسجام، مشابهت واحدها و میزان مبادلات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بین آنها ارتقا یافته و ارتباط درون‌دینی همواره دوستانه بوده و بر اساس منافع بالفعل و بالقوه عامه مسلمین سامان یابد. از سوی دیگر، باید سطح قدرت بالقوه و بالفعل کشورهای اسلامی و میزان تأثیرگذاری آنها بر یک‌دیگر تا جای ممکن یک‌دست و متعادل گردد. میزان بالای تشابه و تجانس ابعاد اجتماعی و فرهنگی کشورهای اسلامی و تشابه نوع نظام سیاسی آنها با توجه به تحولات سال‌های اخیر و افزایش سطح مشارکت سیاسی مردم و نقش‌آفرینی توده‌ها در مباحث سیاسی، همه و همه به شکل‌گیری هم‌گرایی بین کشورهای اسلامی منجر خواهد شد، زیرا میزان تأثیرگذاری مردم در تحولات اجتماعی، به صورت خودکار در سیاست خارجی دولت‌ها انعکاس خواهد یافت و آنها به‌ناچار باید افکار عمومی را در جهت‌گیری‌هایشان لحاظ نمایند. این امر هم‌چنین با حضور کشورهای اسلامی در سازمانی به نام کنفرانس اسلامی تقویت و پشتیبانی می‌شود.

## گفتار دوم: جایگاه حج در اسلام

### الف) اهمیت عبادی حج

حج، فریضه عبادی - سیاسی آیین اسلام است که همه ساله از سوی هزاران انسان مشتاق از سراسر جهان با ملیت‌های مختلف در سرزمین وحی انجام می‌گیرد.  
 در میان فرایض دین، کمتر فریضه‌ای مانند حج، مورد توجه و سفارش قرار گرفته است. تأکید قرآن و امامان معصوم علیهم‌السلام بر اهمیت انجام حج و بهره‌گیری از برکات متعدد آن چیزی نیست که بتوان آن را در این مقاله توصیف و بازگو کرد.

درباره اهمیت حج پیشوای ششم می‌فرماید: «لَوْ عَطَّلَ النَّاسُ الْحَجَّ لَوَجَبَ عَلَيَّ الْإِمَامُ أَنْ يُجْبِرَهُمْ عَلَيَّ الْحَجِّ إِنْ شَاءُوا وَإِنْ أَبَوْا فَإِنَّ هَذَا أَلْبَيْتَ إِنَّمَا وَضِعَ لِلْحَجِّ؛ اگر مردم حج را رها کردند، بر زعیم جامعه اسلامی است که آنان را بر انجام فریضه حج وادار سازد، چه بخواهند چه نخواهند؛ زیرا این مکان برای اجتماع ساخته شده است (کلینی، ۱۳۶۵/۱۳۶۵ ش، ج ۴، ص ۲۷۲).

یا در جای دیگر می‌فرماید: «لَوْ أَنَّ النَّاسَ تَرَكَوا الْحَجَّ لَكَانَ عَلَيَّ الْوَالِي أَنْ يُجْبِرَهُمْ عَلَيَّ ذَلِكَ... فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ أَمْوَالٌ أَنْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ؛ اگر مردم از هزینه حج ناتوان بودند، مخارج سفر آنان از بودجه عمومی تأمین شوند» (همان، ص ۲۷۳).

هم‌چنین از ایشان نقل شده که فرمود: «من مات و لم يحج حجه الاسلام، لم يمنعه من ذلك حاجته تحجف به ام مرض لا يطيق فيه الحج، او يمنعه، فليمت يهوديا أو نصرانيا؛ هرکس از دنیا برود، در حالی که فریضه «حجة الاسلام» را به جا نیاورده باشد، بدون این که حاجتی مانع او شده باشد، به جهت بیماری از آن باز مانده باشد، یا سلطانی از رفتن او جلوگیری کند، چنین فردی به کیش یهودیت یا نصرانیت خواهد مرد.» (همان، ص ۲۶۸).

حضرت علی علیه السلام با اشاره به پاره‌ای فلسفه حج، درباره اهمیت آن در اسلام می‌فرماید: «الحج تقویه الدین؛ حج تقویت دین است» (نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۲۵۲).

در جایی دیگر آن حضرت می‌فرماید: «جعل الله سبحانه تعالی لاسلام علما؛ خداوند کعبه را پرچم اسلام قرار داده است» (همان، خطبه ۱)؛ یعنی همان‌طور که پرچم نشانه وحدت و هم‌بستگی یک ملت است حج نیز نماد هم‌دلی و وحدت جهان اسلام می‌باشد.

### ب) اهمیت سیاسی حج

به تعبیر یکی از بزرگان، مناسک حج در عین این که زیباترین عبادت بوده و ناب‌ترین ارتباط را بین خدا و بنده به نمایش می‌گذارد، مهم‌ترین ابزار برای پیشبرد اهداف سیاسی اسلام نیز محسوب می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰ ش، ص ۷۷)؛ به بیانی دیگر، ظرفیت‌های عظیم سیاسی آن می‌تواند وسیله‌ای مهم برای تحقق اهداف سیاسی اسلام باشد. روح حج، توجه به خدا، و روح سیاست، توجه به خلق خدا است، اما این دو درحج به هم آمیخته است و براینند آن می‌تواند زمینه‌ساز هم‌گرایی بین کشورهای اسلامی باشد. بنابراین، حج عامل مؤثری برای وحدت صفوف مسلمانان و کنار گذاشتن تعصبات ملی، نژادپرستی و اسیر شدن در حصار مرزهای جغرافیایی است. در ذیل به تناسب، به بهره‌گیری سیاسی از حج در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امامان معصوم علیهم السلام، و عصر حاضر اشاره می‌شود.

## ۱- بهره‌گیری از کارکرد سیاسی حج در عصر پیامبر ﷺ

پیامبر اسلام ﷺ در سال ششم هجرت پس از نزول آیه «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ» (بقره/۱۹۶) به همراه حدود ۱۴۰۰ نفر از اصحاب از مدینه به قصد انجام فریضه حج خارج شد و در مسجد شجره محرم گردید، اما از آنجا که مسجد در سیطره کفار قریش بود، جلوی کاروان حج را گرفتند و در نهایت، صلح حدیبیه اتفاق افتاد. آیه مبارکه: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ» (فتح / ۱۸) در همین خصوص نازل شد. پیامبر ﷺ با اصحاب خود به مدینه برگشت، اما بر اساس یکی از بندهای صلح حدیبیه، سال بعد، با حدود دو هزار نفر و هشتاد شتر قربانی، عمره القضا را انجام داد. مسلمانان با شکوه و جلالی خاص لبیک‌گویان، در حالی که عبدالله بن رواحه شتر پیامبر را در دست داشت، وارد مکه شدند و قریش برای این که این صحنه را نبیند مسجدالحرام را ترک نموده و بر فراز کوه ابوقبیس به تماشای این منظره با عظمت پرداختند. پیامبر سواره وارد مسجدالحرام شده و سواره طواف نمود و بعد از پایان عمره، به همراه اصحاب به مدینه بازگشتند و این نخستین عمره‌ای بود که در اسلام به صورت رسمی و همراه با مانور قدرت و نمایش عظمت رهبری در جامعه اسلامی انجام گرفت.

عمره رسمی دوم در سال هشتم هجرت، در فتح مکه انجام گرفت که پیامبر ﷺ در این سال هم‌چون ابراهیم خلیل، مشغول پاکسازی حریم قدس کعبه از بت و بت‌پرستی شد و با تلاوت آیه «قل جاء الحق و زهق الباطل» (اسرا / ۸۱) بت‌ها را یکی از پس دیگری به زمین کشید.

نخستین حج واجب که پس از بعثت به طور رسمی انجام گرفت، در سال نهم هجرت بود که به دلایلی خود پیامبر ﷺ در آن شرکت نکرد و امیرالحاج در آن سال حضرت علی رضی الله عنه بود و در این سال بود که سوره براءت نازل شد و پیامبر ﷺ به علی رضی الله عنه مأموریت داد که آیه‌های براءت را در انظار عموم قرائت نماید. آیه‌هایی از سوره براءت، مکه و حرم آن را حرم اسلامی اعلام می‌کند که مشرکین در آینده حق ورود به آن و برگزاری حج را نخواهند داشت:

۱. خداوند و پیامبرش از زمان نزول سوره براءت از مشرکین بیزار می‌جستند و مسلمانان موظف به مرزبندی جدی با مشرکان و فاصله گرفتن از آنها بودند.
۲. مشرکان هم‌پیمان از این قاعده مستثنا بودند و تا پایان دوره پیمان می‌توانستند از روابط عادی با مسلمانان برخوردار باشند.
۳. مشرکان معاند فقط چهار ماه فرصت داشتند در شرک خود باقی بمانند.
۴. در مدت این چهار ماه هرگاه مشرکان پناه می‌خواستند تا سخن خدا را بشنوند و تأمل کنند، مسلمانان وظیفه داشتند به آنها پناه دهند و سپس آنان را در کمال امنیت و حمایت به مأمن خود برسانند. (توبه / ۱ - ۱۸).



به گواهی منابع تاریخی اسلام، پیامبر ﷺ سفارش کرد که علی علیه السلام پس از خواندن آیه‌هایی از سوره براءت در روز عید قربان، قطع‌نامه‌ای در بردارنده چهار مطلب مهم را نیز با صدای بلند برای مردم قرائت نماید: «۱. ای مردم! بدانید که کافران وارد بهشت نمی‌شوند؛ ۲. پس از این سال، دیگر مشرکی حج نمی‌گزارد؛ ۳. از این به بعد کسی برهنه خانه خدا را طواف نمی‌کند؛ ۴. هر آن کس که با رسول خدا ﷺ پیمان بسته است پیمان او تا پایان مدت آن اعتبار داشته و محترم است»، (ابن هشام، ۱۳۷۵ ش، ص ۵۴۶).

بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین حج در تاریخ اسلام، در سال دهم هجرت انجام گرفت، که پیامبر ﷺ ریاست کاروان و هدایت حاجیان را به عهده داشت و در مکه خطبه بلندی برای حجاج ایراد فرمود:

«الف) ای مردم! خداوند در پرتو اسلام افتخارات دوران جاهلیت و مباحات به آنساب را از میان شما برداشت، همگی از آدم به وجود آمده‌اید و او نیز از گِل آفریده شده است. بهترین مردم کسی است که از گناه و نافرمانی چشم‌پوشد؛ ب) مردم! عرب بودن جزء ذات شما نیست، بلکه آن تنها زبانی گویا است و هر کس در انجام وظیفه خود کوتاهی کند، افتخارات پدری او را به جایی نمی‌رساند و کمبود کار او را جبران نمی‌کند؛ ج) همه مردم در روزگار گذشته و حال، مانند دندان‌های شانه مساوی و برابرند. عرب بر عجم و سرخ بر سیاه برتری ندارند. ملاک فضیلت، تقوا و پرهیزگاری است، د) من تمام دعاوی مربوط به جان و مال و همه افتخارات موهوم دوران گذشته را زیر پای خود نهاده، تمام آنها را بی‌اساس اعلام می‌نمایم، ه) مسلمان برادر مسلمان است. همه مسلمانان برادر یک‌دیگرند. در برابر اجانب حکم یک دست را دارند. خون هر یک با دیگری برابر است. کوچک‌ترین آنها از طرف مسلمانان می‌تواند تعهد نماید؛ و) پس، از این آیین عقب‌گرد نکنید که برخی بعضی دیگر را گمراه کرده و مالک یک‌دیگر بشوید؛ ز) خون‌ها و اموال شما برای شما حرام است و محترم؛ مانند احترام امروز و این ماه و این بلد؛ ح) خون‌هایی که در جاهلیت ریخته شده است، همگی بدون اثر اعلام می‌شود و نخستین خونی را که زیر پای می‌نهم خون ربیعه فرزند حارث است؛ ط) هر مسلمانی برادر مسلمان دیگر است و مسلمانان برادرند، چیزی از مال او بر دیگری حلال نمی‌شود مگر این‌که با طیب خاطر آن را ببخشد؛ ی) سه چیز است که قلب مرد مؤمن به آن خیانت نمی‌کند: اخلاص عمل برای خدا؛ خیرخواهی به پیشوایان حق و ملازمت به اجتماع مؤمنان». (همان، ج ۲، ص ۵۷۲ - ۵۷۴).

به این ترتیب، به روشنی مشاهده می‌شود که انجام مناسک حج، برای پیامبر ﷺ و یارانش، به صورت مانور و نمایش قدرت و وحدت در صفوف مسلمین در برابر مشرکان درآمده بود و بازتاب واقعی پیوند عمیق بین رهبری و مردم بود.

## ۲) استفاده از کارکرد سیاسی حج در عصر امامان معصومین

### الف) عصر امام حسین

در سال ۵۸ هجری معاویه سیاست ایجاد اختلاف را در جامعه اسلامی از طریق کشتار و اذیت کردن شیعیان علی و انسان‌های آزاده و مؤمنین به اوج رساند بود.

امام حسین در آن سال، در مراسم حج شرکت نمود و در سرزمین منی، در اجتماع بزرگی متشکل از همه خاندان، شیعیان، خواصی از انصار و جمعی از تابعان، سخنرانی پرشوری کرد. در این سخنرانی، پس از حمد و ثنای خداوند فرمود:

«أَمَّا بَعْدُ: فَإِنَّ الطَّاعِيَةَ قَدْ صَنَعَ بِنَا وَبِشِيعَتِنَا، مَا قَدْ عَلِمْتُمْ وَرَأَيْتُمْ...؛ اما بعد: همانا این طاغوت (معاویه) برخوردهایی با ما و شیعیان ما نمود که همه شما می‌دانید و دیده‌اید و گواه بوده- اید، اخبار آن به شما رسیده است، من می‌خواهم اموری را از شما بپرسم، اگر راست گفتم، مرا تصدیق کنید و اگر دروغ گفتم، مرا تکذیب نمایید، گفتارم را بشنوید، آن را به خاطر بسپارید و سپس وقتی که پس از مراسم حج به محل سکونت خود بازگشتید، پیام مرا به افرادی که مورد اطمینان شما هستند ابلاغ نمایید، آنها را به آن چه می‌دانید (از ستم‌های معاویه، پیکار با او) دعوت کنید، من ترس آن دارم با ادامه این اوضاع، حق فرسوده و نابود گردد، ولی خداوند نورش را تکمیل نماید هر چند کافران آن را نپسندند».

آن‌گاه امام حسین با بیان آیات قرآن و احادیث پیامبر درباره برتری علی و شایستگی او و فرزندانش برای امامت، استشهد کرد. در این راستا، هر فرازی را که بیان می‌کرد، حاضران با فریاد: «اللَّهُمَّ نَعَمْ، قَدْ سَمِعْنَا وَ شَهِدْنَا؛ آری، خدا را گواه می‌گیریم که این گفتار را (از رسول خدا «ص») شنیده‌ایم و به صدق آن گواهی می‌دهیم»، سخنان او را تصدیق می‌نمودند. در پایان، بار دیگر به آنها فرمود: «شما را به خدا سوگند می‌دهم که هنگام بازگشت به اوطان خود، سخن مرا به افرادی که مورد اطمینان شما هستند ابلاغ کنید و آنها را از دعوت من آگاه نمایید.» (طبرسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۸).

به این ترتیب، نظر به سیره نظری و عملی امام حسین، حج تنها یک امر عبادی صرف نیست، بلکه در کنار آن، مسائل مهم سیاسی، از جمله مسئله رهبری حق و اظهار نفرت از رهبری طاغوت نیز مطرح می‌گردد.

### ب) در عصر امام سجاد

فرازی که در ذیل نقل می‌شود خود تابلو دیگری است از سیاسی بودن این مناسک. در زمان خلافت عبدالملک (پنجمین خلیفه قدرت‌مند اموی) پسرش هشام به قصد انجام حج وارد مکه

شد، سنگینی و فشار جمعیت در حین طواف به او مجال استلام حجرالاسود را نداد. در حوالی حجرالاسود، منبری برای هشام نهادند، او بر بالای منبر رفت، جمعی از مردم شام به گرد او حلقه زده بودند، او به تماشای طواف کنندگان پرداخت، ناگاه دید امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> به طواف کعبه مشغول است، وقتی خواست حجرالاسود را استلام کند، مردم با کمال احترام برای او راه باز کردند، او با کمال راحتی، حجرالاسود را استلام نمود.

در این هنگام یکی از اهالی شام، به هشام گفت: «این شخص کیست که این گونه مورد احترام مردم است؟»

هشام، خود را به تجاهل زد و گفت: نمی‌شناسم.

فرزدق، شاعر حماسه‌سرای خاندان رسالت<sup>علیهم السلام</sup> در این لحظه فرصت را غنیمت شمرد و به آن مرد شامی گفت: «وَلَكِنِّي أَعْرِفُهُ؛ ولی من او را می‌شناسم».

مرد شامی گفت: این شخص کیست؟

فرزدق در معرفی امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> قصیده معروف و نغز خود را خواند؛ قصیده‌ای متشکل از چهل

بیت که با این مطلع شروع می‌شود:

«هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءُ وَطَائِفُهُ  
وَ الْبَيْتُ يُعْرِفُهُ وَالْحِجْلُ وَالْحَرَمُ»

این مرد کسی است که سنگریزه‌های مکه جای پای او را می‌شناسند، خانه کعبه و بیابان‌های حجاز، از بیرون حرم و داخل حرم، او را می‌شناسند.

هشام از اقدام فرزدق به خشم آمد، دستور داد او را زندانی کردند، وقتی امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> از زندانی شدن وی باخبر شد، برای او دعا کرد، از او دلجویی نمود، دوازده هزار درهم برای او فرستاد، فرزدق آن را نپذیرفت، امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> برای او پیام داد:

«به خاطر حقی که بر تو دارم، این مبلغ را از ما بپذیر، خداوند به مقام معنوی و نیت پاک تو آگاه است»، آن‌گاه فرزدق آن مبلغ را پذیرفت و در زندان اشعاری در سرزنش هشام سرود» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۲۷).

در این‌جا به روشنی مشاهده می‌شود که در رفتار امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> جنبه سیاسی حج بیشتر برجسته و به معرض دید گذاشته شده است. وقتی امام<sup>علیه السلام</sup> از علت زندانی شدن فرزدق مطلع می‌شود بدون فوت وقت درصدد تجلیل و تکریم وی برمی‌آید.

### ۳- استفاده از ابعاد سیاسی حج در عصر کنونی

تاریخ اسلام همواره شاهد تلاش‌های دانشمندان و متفکران بسیاری بوده که درصدد استفاده از ظرفیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حج به منظور دستیابی به وحدت و هم‌گرایی جهان

اسلام بوده‌اند، اما برگ زرین این تاریخ پرافتخار، به بزرگ پرچم‌دار احیای حج ابراهیمی، امام خمینی علیه السلام اختصاص دارد؛ همو که می‌فرماید: «اهمیت بعد سیاسی حج کمتر از بعد عبادی آن نیست. بعد سیاسی علاوه بر سیاستش، خودش عبادت است». (امام خمینی، ۱۳۷۶ش، ج ۱۸، ص ۵۰). از این منظر، فلسفه سیاسی حج باید ارائه دهنده راه‌کار برای رفع تنگنایهای اقتصادی و پریشانی‌های جهان اسلام باشد. از نظر امام: «حج، کانون معارف الهی است که از آن، محتوای سیاست اسلام را در تمام زوایای زندگی باید جست‌وجو نمود». سیاست اسلام را در همه ابعادش می‌توان از حج استخراج کرد. فرموده حضرت امام گویای این مطلب است: «فلسفه حج «قیام» است: «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْآبِيَةَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ» (مائده / ۹۷) بیتی است که برای قیام تأسیس شده است، آنهم قیام «ناس»، «للناس». پس باید برای همین هدف بزرگ و مقدس، در آن اجتماع نمود و منافع ناس را در همین مواقف شریف باید تعیین نمود» (همان، ج ۱۹، ص ۲۳). امام خمینی علیه السلام درباره آیه کریمه: «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ» (حج/۲۸) که در آن فلسفه حج تبیین می‌شود، این‌گونه توضیح می‌دهد: «چه نفعی بالاتر و والاتر از آن که دست جباران جهان و ستم‌گران عالم از سلطه بر کشورهای مظلوم، کوتاه شود و مخازن عظیم کشورها برای مردم خود آن کشورها باشد». بنابراین به فرموده حضرت امام خمینی علیه السلام رایزنی درباره حل مشکلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جهان اسلام در زمینه‌های مختلف بالاترین دست‌آورد حج است. از این منظر حج عنصر وحدت‌ساز و به وجود آورنده هم‌گرایی میان کشورهای اسلامی است. به فرموده ایشان: «یکی از مهمات فلسفه حج، ایجاد تفاهم و تحکیم برادری بین مسلمین است و بر دانشمندان و معممین لازم است مسائل اساسی و سیاسی و اجتماعی را با دیگر برادران دینی در میان بگذارند و در رفع آن طرح‌هایی تهیه کنند تا آنان در برگشت به کشورهای خود، آنها را تحت نظر علما و ارباب نظر قرار دهند» و بالاخره از نظر امام: «حج، بسان قرآن است که همه از آن بهره‌مند می‌شوند ولی اندیشمندان و غواصان و درآشنایان امت اسلامی، اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرو رفتن در احکام و سیاست‌های اجتماعی آن نترسند از صدف این دریا گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادگی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد سیراب خواهند شد. مناسک حج مناسک زندگی است و جامعه امت اسلامی از هر نژاد و ملتی باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد (ص) پیوند خورده و یکی گردد و ید واحد شود.» (همان).

از دیدگاه حضرت امام، در مهجور ماندن جنبه سیاسی حج دشمنان اسلام بی‌تقصیر نیستند. به اعتقاد حضرت امام خمینی علیه السلام این بُعد قضیه از همه ابعاد حج غریب‌تر واقع شده است؛ «و از

همه ابعاد آن مهجورتر و مورد عفلت‌تر، بُعد سیاسی این مناسک عظیم است که دست خیانت‌کاران برای مهجوریت آن بیشتر درکار بوده و هست و خواهد بود» (همان، ص ۲۳).

حضرت امام با توجه به دسیسه‌های دشمن و تهی جلوه دادن حج از بُعد سیاسی می‌فرماید: «یکی از فلسفه‌های بزرگ حج قضیه بُعد سیاسی اوست، که دست‌های جنایت‌کار از همه اطراف برای کوبیدن این بُعد در کار هستند؛ تبلیغات دامنه‌دار آنها مع‌الأسف در مسلمین هم تأثیر کرده است که مسلمین سفر حج را بسیاری‌شان یک عبادت خشک خالی بدون توجه به مصالح مسلمین می‌دانند. حج از آن روزی که تولد پیدا کرده است، اهمیت بُعد سیاسی‌اش کمتر از بعد عبادی‌اش نیست، بُعد سیاسی علاوه بر سیاستش، خودش عبادت است. (همان، ج ۱۸، ص ۵۱).

اهتمام امام علیه السلام بر سیاسی بودن حج تا بدان‌جاست که می‌فرماید: «حج کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جست‌وجو نمود... ولی چه باید کرد و این غم بزرگ را به کجا باید برد که حج بسان قرآن مهجور گردیده است و به همان اندازه‌ای که آن کتاب زندگی و کمال و جمال در حجاب‌های خودساخته ما پنهان شده است و این گنجینه اسرار آفرینش در دل خروارها خاک کج‌فکری‌های ما دفن و پنهان گردیده است. زبان انس و هدایت زندگی و فلسفه زندگی‌ساز او به زبان وحشت و مرگ و قبر تنزل کرده است. حج نیز به همان سرنوشت گرفتار گشته است؛ سرنوشتی که میلیون‌ها مسلمان هر سال به مکه می‌روند و پا جای پای پیامبر و ابراهیم و اسماعیل و هاجر می‌گذارند ولی هیچ‌کس نیست که از خود بپرسد ابرهیم و محمد صلی الله علیه و آله که بودند و چه کردند، هدفشان چه بود، از ما چه خواسته‌اند. گویی به تنها چیزی که فکر نمی‌شود به همین است. مسلم حج بی‌تحرك و قیام، حج بی‌برائت، حج بی‌وحدت و حجبی که از آن هدم کفر و شرک برنیاد حج نیست.» (همان، ج ۲۰، ص ۲۲۷).

حضرت امام خامنه‌ای در امتداد این دریافت از ماهیت واقعی حج، آن را وسیله بیداری امت می‌داند. وی با تکیه برکارکرد سیاسی حج، حضور توده‌هایی از اقشار مختلف امت را بهترین فرصت در بازنگری اعمال گذشته و برنامه‌ریزی برای خروج از مشکلات جهان اسلام می‌داند: «حج می‌تواند دنیای اسلام را متوجه مسئولیت سنگین خود کند و نیز این معرفت را به ملت‌های اسلامی بدهد که حضور در صحنه و داشتن مواضع قاطع، با منافع آنها پیوستگی دارد. برائت از جمله مواضع قاطعی است که حج در درون خود دارد، یک روز برائت از مشرکانی بود که لات، هبل و عزی را می‌پرستیدند، اما امروز برائت از سردمداران کفر جهانی و استکبار جهانی است.» (اندیشه سیاسی مقام رهبری، نرم‌افزار زمزم علوم سیاسی، ص ۳۷۶).

فرید وجدی در دائرةالمعارف اسلامی در ماده حج می‌نویسد: «فلسفه تشریح حج بر مسلمانان چیزی نیست که بتوان در این کتاب بیان کرد. آن چه اکنون به ذهن خطور می‌کند این است که

اگر سران حکومت‌های اسلامی از این مراسم در ایجاد وحدت اسلامی میان ملت‌های مسلمان بهره گیرند، کاملاً به نتیجه می‌رسند؛ زیرا گرد آمدن ده‌ها هزار نفر از نقاط مختلف جهان در نقطه واحد و توجه دل‌ها و قلب‌های آنان به چیزی که در این نقطه با آنان القا می‌شود، سبب می‌گردد که یک‌پارچه از آن‌چه که گفته می‌شود متأثر گردند. همگی یک‌روح و یک‌دل به اوطان خود بازگردند. آن‌چه را که شنیده‌اند و آموخته‌اند، میان برادران خود تبلیغ کنند. مثل این گروه مثل اعضای یک کنگره بزرگی است که از همه نقاط عالم در آن گرد آیند آن‌گاه پس از پایان یافتن کنگره، به اطراف جهان پخش شوند و حامل پیام کنگره گردند. اثر این کنگره عظیم هر چه باشد، اجتماع در این موقف و سپس تفرق در بلاد همان اثر را دارد.» (وجدی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۵).

به دلیل اهمیت و کارکرد سیاسی و تبلیغاتی مناسک حج است که یکی از سیاست‌مداران معروف بیگانه در گفتار پر معنای خود می‌گوید: «وای به حال مسلمانان اگر معنای حج را نفهمند، و وای به حال دشمنانشان اگر معنای حج را درک کنند.» (به نقل از مکارم شیرازی، ۱۳۸۰ش، ج ۸، ص ۷۸).

### گفتار سوم - مؤلفه‌های کارکردی حج الف) مؤلفه‌های وحدت‌ساز ۱- اسلام

اسلام به عنوان مجموعه‌ای از ارشادات آسمانی، از بزرگ‌ترین فرصت‌ها در جهت تکوین و ایجاد هم‌گرایی میان مسلمانان محسوب می‌شود. قرآن نیز اسلام را مؤثرترین عنصر وحدت و هم‌گرایی امت اسلامی دانسته است. به‌طور عموم مسلمانان اعم از شیعه و سنی هیچ هویتی آشکارتر و مهم‌تر از مسلمانی ندارند. آنها این هویت ارزشمند و ماندگار را از اسلام دریافت کرده‌اند؛ هویتی که همه شاکله و شخصیت آنان را تشکیل می‌دهد.

برخی در تفسیر آیه: «وَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا» گفته‌اند که مراد از حبل الله دین اسلام است. در مجمع البیان آمده است:

«فی معنی حبل الله اقوال، احدها انه القرآن و ثانیها انه دین الله الاسلام (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ص ۳۵۶).

در این مورد که دین اسلام از بنیان‌های وحدت و هم‌گرایی است، علی علیه السلام در بیانی رسا و کوتاه می‌فرماید: «و انما انتم اخوان علی دین الله؛ واقعیت جز این نیست که همگی شما بر اساس دین خدا برادرید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۲).

در بیانی دیگر می‌فرماید: «اما دین یجمعکم؛ آیا دین نیست تا محور اتحادتان باشد» (همان، خطبه ۳۹).

امام خمینی علیه السلام درباره نقش اسلام در ایجاد وفاق و هم‌گرایی بین مسلمانان می‌فرماید: «اسلام بین همه مسلمانان ها عقد اخوت بسته است و همه را دعوت به اعتصام به حبل‌الله و پیروی از خط اسلام می‌فرماید» (امام خمینی، ۱۳۷۶ ش، ج ۱۴، ص ۱۴۲).

مقام معظم رهبری نیز درباره وحدت و برادری بین امت اسلامی می‌فرماید: «در دنیای اسلام همه را برادر بدانید، امروز مجموعه اسلام از سوی دشمنان مورد تهدید است، اگر ما در پرتو اسلام دست برادری به هم دهیم، دشمن کاری نمی‌تواند انجام دهد.» (اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، همان، ص ۳۷۴).

در هر حال، اسلام توان‌مندی‌های زیادی دارد که باید از آن در راستای ایجاد هم‌گرایی اسلامی سود جست و برای تقویت وحدت در جهان اسلام باید بسیاری از ایده‌های اجرا نشده و معطل مانده اسلام احیا شده و مورد توجه مراکز تحقیقاتی و فکری جهان اسلام قرار گیرد تا تعریف جدیدی از هویت اسلامی برای مسلمانان ارائه شود؛ زیرا تنها در این صورت است که حوزه تأثیرگذاری و توان عملیاتی مسلمانان افزایش خواهد یافت.

در واقع با وجود این که شریعت اسلامی از هنگام سلطه استعمار بر پهنه جغرافیایی جهان اسلام در دایره احکام عبادات شخصی محاصره گشته، اما پیش‌زمینه‌های وحدت و انسجام در مهندسی اجتماعی در میان مسلمانان از نظر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به وجود آمده است. از این رو در صورتی که مسلمانان در تمامی زمینه‌های زندگی خود به شریعت اسلامی عمل کنند بدون شک وحدت مسلمانان بیش از پیش تقویت خواهد شد و این وحدت در ابعاد سیاسی، فرهنگی و منظومه‌های گوناگون اجتماعی ظهور و بروز خواهد یافت. نتیجه این که شریعت اسلام سهم بسیار بالا و به‌سزایی در وحدت و انسجام جوامع اسلامی داشته و دارد (المهدی، ۱۳۸۳ ش، ص ۶۴).

حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) در مورد ظرفیت‌هایی که اسلام برای مسلمانان به ارمغان آورده است این‌گونه می‌فرماید: «امروز مسلمانان دنیا به اسلام افتخار می‌کنند. دوره‌ای بود که مسلمانان به اسلام هیچ افتخار نمی‌کردند، خیلی از عناصر مسلمان و روشن‌فکران مسلمان به دوری از اسلام و کنار گذاشتن اسلام افتخار می‌کردند. اما امروز جوانان و روشن‌فکران در سراسر دنیای اسلام تمسک به اسلام و به معرفت اسلام و اسلام افتخار می‌کنند؛ این فرصت بسیار عظیمی است.» (امام خامنه‌ای، در دیدار با شرکت‌کنندگان در همایش جهان اسلام، ۲ دی‌ماه ۱۳۸۲).

## ۲- منافع مشترک

دومین کارکرد سیاسی حج توجه دادن مسلمین به منافع مشترک است. رسیدن به تفاهم بر مبنای منافع مشترک، یک استراتژی عملی و واقع‌بینانه بوده و دور از دست‌رس نیست. این امر قبلاً در جایی دیگر از دنیا و به طور مشخص در اروپا تجربه شده و توفیق آنها را در عرصه عمل به اثبات رسانده است. نمونه زنده و عینی آن تشکیل جامعه اروپا است که پس از تشکیل پارلمان اروپا و بازار مشترک اروپایی، با تقویت زمینه‌های مشترک سیاسی، اقتصادی و تقلیل نقاط اختلاف‌برانگیز، به حذف مرزها و ایجاد واحد پولی مشترک دست یافته است.

حضرت امام خمینی رحمه‌الله در مورد تأمین منافع مشترک از رهگذر مناسک حج و راه‌های دستیابی به آن می‌فرماید: «با توجه به این‌که فریضه حج، یکی از بزرگ‌ترین فریضه‌های عبادی - سیاسی اسلام و کنگره عظیم حج در موافق معظمه، از بزرگ‌ترین کنگره‌های جهان اسلام است و حجاج محترم جهان را دور هم گرد آورده، درباره مصالح اسلام و مشکلات مسلمین تبادل آرا نموده و در حل مشکلات و راه رسیدن به آرمان مقدس اسلام، تصمیمات لازم را اتخاذ نمایند و راه‌های اتحاد بین همه طوایف و مذاهب اسلامی را بررسی کنید و در امور سیاسی مشترک بین همه طوایف مشکلاتی را که برای مسلمین جهان به دست دشمنان سرسخت اسلام پیش آمده است که اهم آن اختلاف‌انگیزی بین صفوف مسلمانان است چاره‌اندیشی بنمایید.» (امام خمینی، همان، ج ۱۳، ص ۱۹۱).

## ۳- مناسک و عبادات مشترک

آموزه‌های دین اسلام دارای وجوه اشتراک و ظرفیت‌های ارزشمند برای ایجاد وفاق و شگل‌گیری هم‌گرایی است. امام خمینی رحمه‌الله ضمن اظهار تأسف از این‌که عدم استفاده مسلمانان از این فرصت‌ها، می‌فرماید: «مع‌الاسف غلفت هست، اجتماعات می‌شود و از اجتماعات نتیجه گرفته نمی‌شود. مسلمین در مکه مکرمه و مناسک و در موافق، لکن مثل این‌که از هم جدا هستند و غریبه هستند، اجتماعات می‌شود در بلاد.. لکن افراد، مثل این‌که با هم وحدت ندارند.» (همو، ۱۳۷۸ش، ج ۲۱، ص ۲۶۵).

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) نیز با اشاره به برنامه‌های عبادی مشترک و سفارش به بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌ها برای تحقق وحدت و هم‌گرایی اسلامی می‌فرماید: «وجوه مشترک فراوانی هم‌چون کتاب واحد، سنت واحد، پیامبر واحد، قبله واحد، کعبه‌ای واحد، حج واحد، عبادات واحد و اصول اعتقادی واحد در میان مسلمانان وجود دارد که با بهره‌گیری از آنها و با اعمال یک



مدیریت صحیح می‌توان به رفع یا کاهش مشکلات و معضلات مسلمانان کمک کرد.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶ش، ص ۲۱۸).

متفکر بزرگ جهان اسلام علامه مرتضی مطهری در مورد ظرفیت مؤلفه‌های وحدت‌ساز در اسلام، می‌گوید: «مسلمین مایهٔ وفاق‌های بسیاری دارند که می‌تواند مبنای یک اتحاد محکم گردد. مسلمین، همه، خدای یگانه را می‌پرستند و همه، به نبوت رسول اکرم، ایمان و اذعان دارند. کتاب همه قرآن و قبله همه کعبه است. مانند هم حج می‌کنند و مانند هم نماز می‌خوانند و مانند هم روزه می‌گیرند و مانند هم تشکیل خانواده می‌دهند و داد و ستد می‌نمایند و کودکان خود را تربیت می‌کنند و اموات خود را دفن می‌نمایند و جز در اموری جزئی، در این کارها با هم تفاوتی ندارند. مسلمین همه از یک نوع جهان‌بینی برخوردارند و یک فرهنگ مشترک دارند و یک تمدن عظیم و باشکوه و سابقه‌دار دارند. وحدت در جهان‌بینی، در فرهنگ، در سابقه تمدن، در بینش و منش، در معتقدات مذهبی، در پرستش‌ها و نیایش‌ها، در آداب و سنن اجتماعی خوب، می‌تواند از آنها ملت واحد بسازد و قدرتی عظیم و هایل به وجود آورد که قدرتهای عظیم جهان، ناچار در برابر آنها خضوع نمایند. خصوصاً این که در متن اسلام، بر این اصل تأکید شده است. مسلمانان، به نص صریح قرآن، برادر یک‌دیگرند و حقوق و تکالیف خاص آن را به یک-دیگر مربوط می‌کند...» (مطهری، ۱۳۸۶ش، ج ۲۵، ص ۲۷).

#### ۴- محبت به اهل بیت (علیهم‌السلام)

محبت به اهل بیت (علیهم‌السلام) که در میان همهٔ مسلمین، با شدت و ضعف وجود دارد، می‌تواند عامل ارزشمندی برای هم‌گرا شدن کشورهای اسلامی باشد. دربارهٔ استفاده از این ظرفیت مقام معظم رهبری می‌فرماید: «مسئله اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مسائل اسلام و در ردیف مسائل درجه اول این دین مقدس است. محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) فریضه‌ای است که مسلمانان، از هر فرقه و وابسته به هر جریان و گروهی، آن را پذیرفته‌اند و به آن مباحثات می‌کنند. ما که مفتخر به پیروی از فقه اهل بیت مکرّم (علیهم‌السلام) هستیم و دین را - اصولاً و فروعاً - از آنها آموخته‌ایم، نباید گمان کنیم که محبت اهل بیت مخصوص ماست و نباید اشتباه کنیم و فکر کنیم که اهل بیت فقط متعلق به ما هستند، اهل بیت متعلق به اسلام‌اند» (خامنه‌ای، همان، ص ۲۱۶).

ایشان در جای دیگر می‌فرماید:

«دنیای اسلام می‌تواند بر محور دو نقطه مربوط به اهل بیت اتفاق و اتحاد داشته باشد؛ یکی محبت به اهل بیت است که یک امر عاطفی و عقیدتی است و همه مسلمانان به آن امر شده‌اند

و همه نیز آن را قبول دارند؛ این نقطه می‌تواند نقطه تمرکز عواطف و احساسات همه مسلمین باشد. نقطه دوم، آموزش دین و تعلیم معارف و احکام الهی حول محور ثقلین است. در حقیقت، برافراشتن پرچم اهل بیت در دنیای اسلام می‌تواند مسلمانان را دور هم جمع نماید و این ظرفیتی است که در اختیار جهان اسلام است. اگر هم امروزه همه مسلمانان جهان به جمهوری اسلامی احترام می‌گذارند، از آن احساس عزت می‌کنند، به آن دلیل است که ملت ایران پرچم اهل بیت را به اهتزاز درآورده و با تاسی از ائمه معصومین<sup>علیهم‌السلام</sup> که همیشه عامل جمع و وحدت بوده‌اند، ندای وحدت را سر می‌دهد، و در پرتو این پرچم سخن از ارتباط و وصل و اطلاع از نظرات هم و کمک به یک‌دیگر دارد و بر این نکته تأکید می‌ورزد: ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم» (همان، ص ۲۱۶).

برای نمونه، امام شافعی پیشوای شافعیان جهان در سروده‌ای دوستی خاندان رسول را امری واجب دانسته و می‌گوید:

«یا اهل بیت رسول الله حبکم فرض من الله فی القرآن أنزله؛ ای خاندان رسول خدا، دوستی شما را خداوند در قرآنی که نازل کرده، واجب شمرده است» (محمد عقیل، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۲۴).

درباره نقش اهل بیت<sup>علیهم‌السلام</sup> در هم‌گرایی بین مسلمانان، حاکم نیشابوری نیز در روایتی صحیح از ابن عباس نقل کرده که پیامبر<sup>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</sup> فرمود: «النجوم أمان لأهل الأرض من الغرق و أهل بیتی أمان لأمتی من الاختلاف. فأذا خالفتم قبیله من العرب اختلفوا فصاروا حزب ابلیس؛ ستارگان باعث مصونیت زمینیان از غرق‌شدگی‌اند و خاندان من باعث در امان ماندن امتم از تفرقه و پراکندگی- اند. هرگاه گروهی از اعراب با اهل بیت من مخالفت کنند، به تفرقه و چنددستگی مبتلا می‌گردند و از حزب شیطان محسوب خواهند شد» (حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶ ق، ج ۳، ص ۱۴۹).

**۵- عامل ترس و دشمن مشترک عامل دشمن و احساس خطر مشترک نسبت به یک کشور قدرت‌مند یا پدیده خارجی در منطقه، از جمله عوامل هم‌گرایی و گسترش روابط کشورهای هم‌سرنوشت با یک‌دیگر است.** این مؤلفه نقش بسیار تعیین‌کننده در ایجاد هم‌گرایی دارد. خطر اسرائیل از دید هیچ متفکر و نخبه‌ای در جهان پوشیده نیست. عامل ترس و احساس خطر مشترک نسبت به یک پدیده خارجی، باعث می‌گردد که کشورهای یک منطقه به‌رغم گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های سیاسی متفاوت و متعارض، دست‌کم در برابر آن عامل بیرونی از خود واکنش مشترک بروز دهند. امروزه خطر فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که از ناحیه اسرائیل و صهیونیسم یهودی و مسیحی متوجه جهان اسلام است، ضرورت هم‌گرایی کشورهای اسلامی را روشن می‌سازد. مناسک حج به امت اسلامی فراخوان عمومی می‌دهد که نسبت به خطر بیرونی هوشیار

باشند. امام صادق علیه السلام در ذیل روایتی خطاب به هشام درباره کارکرد آگاهی بخش حج می‌فرماید: «اگر هر قوم و ملتی تنها از کشور و بلاد خویش سخن بگوید و تنها به مسائلی که در آن است بیندیشد همگی نابود می‌گردند و کشورهايشان ویران می‌شود، منافع آنها ساقط می‌گردد و اخبار واقعی در پشت پرده قرار می‌گیرد» (حر عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۱، ص ۱۴).

## ب) کارکردی‌های اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی حج

### ۱- کارکردهای اقتصادی حج

یکی دیگر از ظرفیت‌های بزرگ حج، کارکرد اقتصادی آن از طریق افزایش تعاملات اقتصادی و بهره‌وری در حوزه تجارت و ارتقای مبادله سرمایه بین کشورهای اسلامی است. بدون تردید افزایش ظرفیت اقتصادی از راه گردش‌گری موجب شکوفایی بازار اسلامی و آشنایی تجار و سرمایه‌گذاران جهان اسلام با توان‌مندی‌های بقیه کشورهای مسلمان می‌شود درآمد اقتصادی از راه گردش‌گری و جابه‌جایی انسان به همراه زاد و توشه و کالا موجب شکوفایی و بهره‌وری بیشتر می‌شود. از آنجایی که انسان‌ها از مکان‌ها و سرزمین‌های مختلف با تنوع تمدنی و آب و هوایی و رشد و توسعه اقتصادی به سرزمین مکه وارد می‌شوند، افزون بر تبادل اطلاعات فرهنگی، صنعتی، مهندسی و کشاورزی، تبادلات کالا و دانش نیز صورت می‌گیرد که برای همگان مفید خواهد بود.

کارکرد اقتصادی حج را می‌توان کارکردی فراگیر دانست که همه حوزه‌های تجارت، سرمایه‌گذاری و دانش اقتصادی را پوشش می‌دهد و هیچ بخش از موضوعات اقتصادی را بی‌نصیب نمی‌گذارد؛ امری که در آیات مختلف به آن اشاره شده است؛ از قبیل آیاتی که به موارد ذیل اشاره دارد: مسئله دستگیری از تهی‌دستان (حج، ۲۸)؛ وجود منافع فراوان برای مردم (حج، ۲۷ و ۲۸)؛ رشد و رونق تعاملات اقتصادی (بقره، ۱۹۷ و ۱۹۸)؛ افزایش تجارت (مائده، ۲)؛ تقویت پایه فرهنگ جامعه‌پذیری، قوام جوامع و هم‌بستگی اجتماعی (مائده، ۹۷)؛ برخورداری از برکات و منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت (حج، ۲۷ و ۲۸)؛ رهایی از تحریم‌های دشمنان با افزایش تبادل اطلاعات علمی و اقتصادی و تولید علم (توبه، ۲۸)؛ تنظیم امور اساسی جامعه حتی در حوزه فردی و شخصی (قصص، ۲۷) و مانند آن که از رهگذر بهره‌گیری از کارکرد اقتصادی حج قابل دستیابی و تحقق است.

در مجموع، وجود سازوکارهای اقتصادی نهفته در آموزه‌های اقتصادی حج می‌تواند الهام‌بخش ایجاد هم‌گرایی اقتصادی میان مسلمانان باشد. در حقیقت، هم‌گرایی متکی بر اعتقاد و ایمان اسلامی از بالاترین ظرفیت ممکن برای شکل‌گیری و توسعه هم‌گرایی در بین کشورهای

اسلامی برخوردار است. از جمله این که این هم‌گرایی می‌تواند یک بازار مشترک را در میان کشورهای اسلامی پایه‌گذاری نموده و گسترش دهد و از این طریق به‌طور کلی رفاه اقتصادی را در میان مسلمانان ارتقا بخشد. بر اساس این رویکرد، فاصله جغرافیایی اهمیت چندانی ندارد، بلکه ارزش‌های دینی از جایگاه و اهمیت کلیدی برخوردار است؛ زیرا ممکن است یک کشور مسلمان تجارت بیشتر با یک کشور مسلمان دیگر را که فاصله نسبتاً زیادی با آن دارد به تجارت با یک کشور غیرمسلمان همسایه و دارای مرز مشترک ترجیح دهد. روابط تجاری ترجیحی امروزه در تعاملات و ارتباطات تجاری به‌طور گسترده مشاهده می‌شود؛ جایی که فاصله جغرافیایی از نقش بسیار اندکی در هدایت روابط تجاری میان کشورها برخوردار است و بیشتر منافع اقتصادی، سیاسی و حتی ایدئولوژیک عامل مهم و کلیدی هم‌گرایی در میان کشورها به حساب می‌آید (پوراحمدی، ۱۳۸۹ش، ص ۳۸۷).

## ۲- کارکرد فرهنگی - اجتماعی حج

زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی مشترک یک عامل مهم و نیرومند است که می‌تواند به تکوین و ایجاد هم‌گرایی کمک کند. در کشورهای اسلامی تشابهات فرهنگی - اجتماعی در یک عامل مشترک و مهم ریشه دارد؛ این عامل اسلام است. به عبارت دیگر، در کشورهای اسلامی در کنار قرابت ارزشی و تاریخی شاهد قرابت و تجانس اجتماعی و فرهنگی حول محور اسلام و ارزش‌های مشترک دینی نیز هستیم. جالب‌تر آن که به لحاظ نظری، کشورهای مسلمان دلایل محکم و قانع‌کننده‌تری برای هم‌گرایی و همکاری دارند؛ زیرا قبل از هر چیز آموزه‌های الهی خود مقوم کارآمدی هم‌گرایی و وحدت کشورهای اسلامی محسوب می‌شود. به بیانی، وحدت «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/ ۱۰۳) در کنار عنصر تولی و تبری به عنوان یک تکلیف الهی، بر مسلمانان فرض است.

بنابراین، مناسک حج می‌تواند به لحاظ فرهنگی - اجتماعی نقش مهمی در هم‌گرا شدن کشورهای اسلامی ایفا نماید. در حقیقت، مناسک حج از بالاترین ظرفیت ممکن برای ایجاد و تقویت هم‌گرایی میان کشورهای مسلمان برخوردار است. از جمله این که در ایام حج مسلمانان از دورترین نقاط دنیا به دور از هر نوع تشریفات، شانه به شانه هم و فارغ از توجه به هویت منطقه-ای و طایفه‌ای و با چشم‌پوشی از آرزوها و آمال شخصی و تعلقات کشوری به سرزمین وحی قدم می‌گذارند. این فرصت می‌تواند به تولید ایده واحد، هدف واحد و درک مشترک از مسایل و مشکلات جهان اسلام منجر شود.

از سوی دیگر، مناسک حج می‌تواند به گردهمایی بزرگ فرهنگی تبدیل شود و متفکران جهان اسلام در ایامی که در سرزمین وحی حضور دارند گردهم آیند و ایده‌ها و ابتکارات خود را به منظور ارائه راه‌حل رفع مشکلات جهان اسلام عرضه کنند.

یکی از مشکلات جدی جهان اسلام این است که مرزهای جغرافیایی کشورهای اسلامی سبب جدایی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آنها شده است، که در این صورت جامعه اسلامی به سمت واگرایی پیش می‌رود. یکی از کارکردهای حج این است که مسلمانان را از افتادن به دام واگرایی بر حذر می‌دارد. بنابراین، از بُعد فرهنگی، حج به شناخت و آگاهی از وضعیت عمومی امت اسلام یاری می‌رساند و باید مورد توجه ویژه قرار گیرد.

آیت‌الله خامنه‌ای درباره ظرفیت فرهنگی - اجتماعی مناسک حج و فرصتهایی که از این ره‌گذر نصیب امت اسلامی می‌شود، می‌فرماید: «... به علاوه، حج صحیح می‌تواند از اعضای جدا افتاده امت اسلامی، پیکره‌ای واحد و کارآمد و نیرومند بسازد، آنان را با هم آشنا و از حرف‌ها، دردها، پیشرفت‌ها و نیازهای یک‌دیگر آگاهشان کند و تجربه‌های آنان را مبادله نماید. اگر حج با توجه به هدف‌های فوق، برنامه‌ریزی شود و در این برنامه‌ریزی، دولت‌ها، علما و صاحب‌نظران و روشن‌فکران جهان اسلام همکاری کنند، بعد از زمانی نه چندان بلند، امت اسلامی را به عزت و قدرتی که درخور آنها است، خواهد رساند.» (اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، همان، ص ۳۷۲).

در هر حال، کشورهای اسلامی دارای فرهنگ و هویت مشترک هستند که در پرتو کارکرد فرهنگی حج می‌توانند آن را تقویت نموده و گسترش دهند و از آن به نفع هم‌گرایی استفاده نمایند. ارتباط اقشار مختلف مردم در ایام حج، فارغ از مسایل حاشیه‌ای می‌تواند به نزدیکی دیدگاه‌ها و از بین رفتن سوءتفاهمات منجر شود. افرادی که در ایام حج در آن سرزمین حاضر هستند، به دور از دخالت‌های عامل مصنوعی از هر نژاد و منطقه در آن‌جا جمع می‌شوند. در روایت هشام از امام صادق علیه السلام در تبیین آثار حج آمده است: «... فجعل فيه الاجتماع من الشرق و الغرب و ليتعارفوا...؛ خداوند این بندگان را آفرید...، از جمله اجتماع مردم شرق و غرب را (در آئین حج) مقرر داشت تا مسلمانان به خوبی یک‌دیگر را بشناسند و از حال هم آگاه شوند» (حر عاملی، همان).

تصوریری که یک ملت از ملت‌های دیگر در ذهن دارد، یک عامل مهم فرهنگی است که موجب هم‌گرایی یا واگرایی در بین کشورها و ملت‌ها می‌شود. از جمله کارکردهای فرهنگی مناسک حج آن است که به تصحیح و اصلاح افکار و نظرات مسلمانان نسبت به هم‌دیگر یاری می‌رساند. ایجاد تصویر مثبت در ذهن نسبت به حاجیان سایر کشورها و فرقه‌های مذهبی، به هم‌گرایی در بین جوامع اسلامی کمک می‌کند.

## جمع بندی

نتایج این نوشتار را می‌توان در قالب گزاره‌های ذیل ارائه نمود:

۱. استفاده از ظرفیت سیاسی حج در عصر ما یک نیاز مبرم به شمار می‌رود. تردیدی نیست که رسیدن به قله عزت و شکوه اسلامی منوط به بهره‌گیری از ظرفیت عظیم سیاسی حج است. امروزه در کارکرد سیاسی و نقش حج در تولید و ارتقای هم‌گرایی بین امت اسلامی کمتر کسی تردید می‌کند.

۲. بی‌توجهی به ظرفیت سیاسی حج نه مطلوب است و نه مجاز. عصر ما عصر بیداری توده‌ها است و موج بیداری و خیزش اسلامی به یمن استفاده از ظرفیت سیاسی حج مسلمانان را نسبت به مسایل و مشکلات جهان اسلام و جهان پیرامون خود آگاه ساخته است. آنان به روشنی مشاهده می‌نمایند که کشورهای اروپایی با حداقل اشتراکات به مرحله مطلوبی از هم‌گرایی دست یافته‌اند، اما کشورهای اسلامی با حداکثر پیوندهای دینی و فرهنگی و تاریخی موفق به هم‌گرایی نشده‌اند. با توجه به انکارناپذیری پدیده بیداری اسلامی، چرخ تاریخ هیچ وقت به عقب برنخواهد گشت و میل به هم‌گرایی اسلامی تجدید خواهد شد و می‌طلبند که نخبگان جهان اسلام با کمک گرفتن از کنگره جهانی حج به روحیه بیداری و وحدت‌طلبی شور و نشاطی بخشیده و آن را در مسیر مطلوب که قرآن خواسته است مدیریت نمایند.

۳. مسلمانان بر اساس دستور قرآن برادر یک‌دیگرند، بنابراین باید در تمام مسایل و مشکلات یار و یاور هم باشند.

۴. فریضه حج از حداکثر ظرفیت و پتانسیل برای ایجاد وحدت و هم‌گرایی کشورهای اسلام برخوردار است، اما باید آن را از قوه به فعل درآورد که تحقق این امر به فضا سازی نیاز دارد تا محمل برای عملیاتی کردن توان‌مندی گزاره‌هایی که مقوم هم‌گرایی است مهیا شود.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، نشر أدب الحوزه، تهران، جلد دوم، ۱۴۰۵ق.
۴. ابن هشام، السيرة النبوية، قاهره، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش.
۵. پوراحمدی، حسین، اسلام و روابط بین‌الملل، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران.

۶. پوراحمدی، حسین، *اقتصاد جهانی و هم‌گرایی کشورهای اسلامی*، ۱۳۸۹ش.
۷. جیمز دوئرتی و رابرت فالترز گراف، *نظریه‌های متعارض روابط بین‌الملل*، ترجمه: وحید بزرگی و علیرضا طیب، نشر قومس، تهران، ۱۳۸۴ش.
۸. حاکم نیشابوری، محمد بن محمد، *المستدرک علی الصحیحین*، دار المعرفه، بیروت، جلد سوم، ۱۴۰۶ق.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسایل الشیعه*، مؤسس آل‌البتیة علیه‌السلام لایحیاء التراث، قم، ۱۴۱۱ق.
۱۰. خامنه‌ای، سید علی، *رهنمودها*، بی‌جا، ۱۳۸۴ش.
۱۱. خمینی، روح‌الله، *صحیفه امام*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، تهران، ۱۳۷۸ش.
۱۲. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*، مؤسسه و چاپ انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳ش.
۱۳. راغب اصفهانی، حسن بن علی، *المفردات فی غریب القرآن*، مکتبه مرتضوی، تهران.
۱۴. سیف‌زاده، سید حسین، *نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل*، نشر قومس، تهران، ۱۳۷۴ش.
۱۵. طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج*، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.
۱۶. طبرسی، بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، انتشارات دارالمعرفه، بیروت، چاپ اول، جلد اول، ۱۴۰۶ق.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، انتشارات دارالکتاب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، جلد چهارم، ۱۳۶۵ش.
۱۸. محمد عقیل، بن عبدالله بن عمر، *النصائح الکافیة لمن یتولی معاویة*، دارالثقافه، قم، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۱۹. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، انتشارات صدرا، تهران، چاپ اول، جلد بیست و پنجم، ۱۳۸۶ش.
۲۰. \_\_\_\_\_، *یادداشت‌ها*، انتشارات صدرا، تهران، جلد دوم، ۱۳۸۷ش.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، دارالکتاب الاسلامیه، تهران، چاپ بیست و دوم، جلد چهاردهم، ۱۳۸۰ش.

۲۲. المهدی، قطبی، «جهان اسلام و چالش‌های آینده»، ترجمه: مجتبی فردوسی پور، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش بین‌المللی جهان اسلام، چالش‌ها و فرصت‌ها، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۸۲ش.
۲۳. وجدی، محمد فرید، دائرة المعارف الاسلامی، قاهره، ۱۳۶۵ق.

